

۹۱ / ۱۲ / ۱۳

جلسه ۷۶

صحیح و اعم

یکشنبه

سال سوم

صحیح و اعم (۱۲)

پیشخوان

مبنای سه گانه در مقدمه ۶: مبنای حضرت امام، مرحوم نائینی و منسوب به شیخ انصاری

مبنای مرحوم نائینی: توضیح کلام مرحوم نائینی

ما می گوئیم: تحلیل و بررسی مبنای مرحوم نائینی

اشکال حضرت امام بر مبنای مرحوم نائینی

اشکال مرحوم خویی به مبنای مرحوم نائینی

جمع بندی مبنای مرحوم نائینی

مبنای مرحوم عراقی: بیان کلام ایشان

مبنای مرحوم عراقی: جواب مرحوم عراقی به یک قول در قسم اول



مبانی سه گانه در میان اصوليون

صحّت من حيث الاجزاء و الشرائط كلّها

۱.

مبنای حضرت امام
(منسوب به مرحوم آخوند و مشهور)

صحّت من حيث الاجزاء و الشرائط الا قصد الامتثال

۲.

مبنای مرحوم نائینی

صحّت من حيث الاجزاء فقط

۳.

منسوب به شيخ انصاری



۱. مبنای مرحوم نائینی

صلوة گاه به اعتبار **شرایط** متصف به صحّت می شود. شرایط **دو گونه** هستند :

قسم اول: شرایطی که می توان شیء را قبل از اینکه امر به آنها تعلق بگیرد، نسبت به آنها تقسیم کرد
مثال: مثلاً بگوییم صلوة با ظهور و صلوة بدون ظهور

قسم دوم: شرایطی که نمی توان آنها را در مرحله نام گذاری لحاظ کرد
چراکه این شرایط ناشی از تعلق امر به شیء هستند
مثال: قصد قربت و قصد وجه و قصد وجه وجه

مرحوم
نائینی
(۱)



۱. مبنای مرحوم نائینی

قسم دوم قطعا مراد نیست

دلیل: صحّت من حیث شرائط ناشی از امر ۲ رتبه از نام گذاری متأخر است به این معنی که:

مرحله اول = شارع نام ماهیتی را صلوة می گذارد

مرحله دوم = به آن امر می کند

مرحله سوّم = صلوة می تواند به «صحّت من حیث هذه الشرائط» متصف شود

مرحوم

نائینی

(۲)

پس نمی توان گفت:

- آیا صلوة وضع شده برای نماز صحیحی که **واجد قصد قربت** است یا برای اعم از آن؟

- آیا صلوة وضع شده برای نماز صحیحی که **نهی** به آن تعلق نگرفته باشد یا برای اعم از آن؟

- آیا صلوة وضع شده برای نماز صحیحی که **مزاحمی** نداشته باشد یا برای اعم از آن؟

چراکه فسادی که ناشی از تعلق نهی است یا وجود مزاحم است و هم چنین صحّت ناشی از عدم تعلق

نهی و عدم وجود مزاحم است، نمی توانند در **مرتبه تسمیه** دخیل باشند



۱. مبنای مرحوم نائینی

نتیجه آنکه :

اگر کسی قائل به صحّت شد، باید بگوید صلوة وضع شده است برای :
«صلوة صحیحی که من حیث الاجزاء و الشرائط التي تمكن أن تلحظ في مرحلة التسمية»

مرحوم
نائینی
(۳)



۱. مبنای مرحوم نائینی

الف: مقام نامگذاری محتاج لحاظ معنای لفظ است

پس باید در این مقام مسمی (معنا) ملاحظه شود

ب: قصد قربت نمی تواند در مأمور به لحاظ شود

ج: مأمور به همان مسمی است

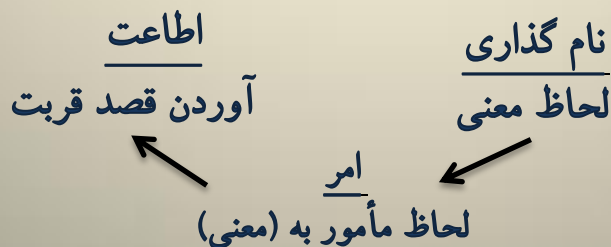
د: وجود خارجی قصد قربت بعد از وجود خارجی امر است

و وجود خارجی امر بعد از وجود خارجی تسمیه

نتیجه: نمی توان «قصد قربت» را در مقام نام گذاری لحاظ کرد

خلاصه فرمایش
مرحوم نائینی

ما
می گوئیم





۱. مبنای مرحوم نائینی

آنچه در مقام نام گذاری لازم است **لحاظ و تصور قصد قربت** است
در حالیکه آنچه مؤخر از امر است **وجود خارجی قصد قربت** است

ان قلت: مطابق بند «ج» مأمور به همان مسمی است
در حالیکه اگر بخواهیم به همان مسمی امر کنیم، قصد قربت در مأمور به لحاظ می شود که محال است

قلت: لازم نیست همه جا مأمور به، معنای حقیقی مسمی باشد
بلکه: **مسمی**، «معنای صلوة + قصد قربت» است ولی **مأمور به**، مجازاً «صلوة بدون قصد قربت» است

ان قلت:
در این صورت لغویت در نام گذاری پیش می آید چراکه لازم می آید همیشه به مجاز تن دهیم!

قلت:
نام گذاری تنها برای استفاده در مقام طلب نیست بلکه در مفاهمه های دیگر هم استفاده می شود

ما
می گوئیم
(۲)



۱. مبنای مرحوم نائینی

در مورد مقدمه «ب»:

همه اصولیون متفق نیستند بلکه برخی می گویند قصد قربت را می توان در متعلق امر اخذ کرد

در مورد مقدمه د:

تقدم وجود تسمیه بر وجود امر (استعمال) طبق عقیده بسیاری محل تأمل است
بلکه وضع می تواند به وسیله نفس استعمال واقع شود

ما
می گوئیم
(۳)



۱. مبنای مرحوم نائینی

دو مبنی در بحث «اخذ امتثال امر در عبادات»

۱. قائل به **امکان** آن = مبنای امام خمینی

۲. قائل به **عدم امکان** آن = مبنای مرحوم آخوند و مرحوم نائینی

وضعیت بحث بر اساس مبنای اول:

در این بحث مشکله ای ندارد چراکه امکان لحاظ این شرط در مرتبه مسمی وجود داشته و در این مرتبه لحاظ شده است و طلب بعد از این مرتبه حاصل می شود

ان قلت :

چگونه چنین شرطی را در موقع تسمیه لحاظ کرده است در حالیکه این شرط بعد از پیدایش امر حاصل می شود!

قلت :

آنچه مؤخر از امر است وجود خارجی قصد قربت است و نه لحاظ ذهنی آن

اشکال
حضرت
امام بر
مرحوم
نائینی



۱. مبنای مرحوم نائینی

اولاً:

می توان گفت آنچه لفظ صلوة برای آن وضع شده است (صلوة صحیح من جمیع الجهات) لازم نیست همان چیزی باشد که مورد امر قرار گیرد

لذا: متعلق طلب غیر از مسمی است

پس: همیشه در حال امر باید بگوییم آنچه مأمور به است، معنای حقیقی صلوة نیست بلکه معنای مجازی آن است

ثانیاً:

ثانیاً تسمیه می تواند به نفس امر باشد و مقدم بر آن نباشد

اشکال

حضرت

امام بر

مرحوم

نائینی

(۲)

وضعیت بحث بر
اساس مبنای دوم:



۱. مبنای مرحوم نائینی

امکان **نام گذاری** برای دو شیء که رتبه و زماناً **در طول هم** هستند

به این معنی که:

اگر وجود خارجی قصد قربت و عدم مزاحم و عدم نهی در طول وجود خارجی اجزاء مأمور به است دلیل نمی شود که تصور قصد قربت و ... را نتوان در مسمی (مرحله تسمیه) لحاظ کرد

اشکال

مرحوم

خوئی

به مرحوم

نائینی



۱. مبنای مرحوم نائینی

مهم ترین نکته ← مجاز بودن استعمال لفظ صلوة مأمور بها در صورتی که :
«شرائط حاصله از ناحیه طلب» را داخل در محل بحث بدانیم

این در حالی است که بگوییم : نمی توان قصد وجه و قصد قربت را در مأمور به لحاظ کرد
ولی اگر بگوییم : قصد قربت را می توان در مأمور به اخذ کرد، لازم نیست به «مجاز» قائل شد

جمع بندی
مبنای
مرحوم
نائینی



۲. مبنای مرحوم عراقی

قسم اول از اقسام شرایط :

تعریف: شرایطی که هم امکان اخذ آنها در متعلق طلب وجود دارد و هم اخذ شده اند

حکم: داخل در محل نزاع هستند

قیل: شرایط از محل نزاع خارج هستند

یعنی صلوة وضع شده است برای «صلوة صحیح من حیث الاجزاء فقط»

دلیل اول :

اجزاء در رتبه مقتضی هستند و رتبه شرایط از رتبه مقتضی متأخر است

و چیزی (شرائط) که در رتبه متأخر از مقتضی (اجزاء) است نمی تواند در رتبه مقتضی داخل شود.

اگر بخواهیم مسمی و شرایط را (اجزاء و شرایط) در کنار هم قرار دهیم، لازم می آید که شرایط در رتبه

اجزاء باشند و این محال است

دلیل دوم:

شرط در شریعت - آنچه در لسان شارع، به صورت «قید برای مسمی» آورده شده باشد.

پس : باید «مسمی» زماناً در رتبه مقدم حاصل شده باشد تا شرط به آن ملحق شود.

چراکه : مسمی برای شرط مثل موضوع است برای حکم

مؤید این عقیده:

فقها اجماع دارند که صلوة از عبادات قصدی است

در حالیکه برخی از شرائط قصدی نیستند (مثل طهارت خبثی)

پس صلوة و هر چه در آن است قصدی است و شرائط قصدی نیستند پس داخل در صلوة نیستند



۲. مبنای مرحوم عراقی

جواب به این قول:

اولاً: این سخن فی نفسه غلط است

ثانیاً: بر فرض که درست باشد، این استدلال ثابت می کند شرائط از مسمی خارج هستند ولی ثابت نمی کنند که «تقیّد به شرائط» داخل در معنای نماز نباشد

ان قلت: شرائط حتماً داخل در مسمی هستند چراکه در روایات داریم لا صلوة إلا بطهور

قلت: این استدلال غلط است چون اجزاء در حالیکه مقیّد به طهارت هستند، نماز هستند و لذا اگر طهور نباشد، نمازی در کار نیست ولی این به معنای آن نیست که خود طهور داخل در نماز باشد

کلام
مرحوم
عراقی
(۳)